



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز   تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵

چاپ: نشر روزتاب   تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶

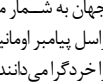
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۲ اذان صبح فردا ۵:۰۸ طلوع آفتاب ۶:۳۴

## دیده بان

## فلسفه و داستان

## محمدحسن علیپور



■ برتراند راسل به عنوان یکی از فیلسوفان سرشناس جهان به شمار می‌رود. به گفته فردریک کاپلستون، راسل پیامبر اومانیسم لیبرال و قهرمان کسانی که خود را خردگرا می‌دانند، شناخته می‌شود.(۱)

این فیلسوف تحلیلی و تجربی بریتانیایی که هر چند سال یک نظام فلسفی تازه علم کرد، آثار زیادی در زمینه اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ریاضیات و فلسفه نوشته است و خوانندگان فارسی‌زبان با نوشته‌ها و دیدگاه‌های این فیلسوف که از سال‌ها پیش ترجمه شده‌اند، آشنا هستند.به‌تازگی نیز چند داستان کوتاه از وی به فارسی ترجمه شده است.

طرفداران فلسفه تحلیلی (فرهنگ فلسفی در کشورهای انگلیسی‌زبان) این پرسش را مطرح می‌کنند که فلسفه قاره‌ای (فرهنگ فلسفی آلمان) به ادبیات نزدیک‌تر است یا فلسفه؟

همچنین این دیدگاه مطرح می‌شود که «یکی از تفاوت‌های ظریف میان فلسفه تحلیلی و سنت قاره‌ای در این است که در نگاه قاره‌ای متون ادبی، هنری، شعری یا درس‌هایی از زندگی حقیقی مردم در فرآیند کار و تولید و اوقات بیکاری مدنظر قرار می‌گیرد، اما اندیشمندان تحلیلی شرایط امکان یک پدیده را با به‌کارگیری ترغندهایی چون حکایات و داستان‌های علمی- تخیلی مورد بحث قرار می‌دهند. افزون بر این، فیلسوفان تحلیلی همواره می‌کوشند تا چگونگی استقرار پدیده‌ها در عالم تجربه را توصیف و تبیین کنند و از این رهگذر از علوم تجربی و ریاضی بهره می‌گیرند.»(۲)

با این حال چرا برتراند راسل به عنوان فیلسوف تحلیلی داستان هم نوشته است؟ آیا داستان‌نویسی او همانند مقالات فلسفی او همراه با استدلال‌ها، گزاره‌ها و پرسش‌های مستقیم و روشن است؟ یا سبک و ویژگی‌های داستان‌نویسی را از نظر فکری، فضا، زاویه دید، غیرمستقیم‌گویی و… می‌پذیرد و در نتیجه با انتخاب قالب داستان برای پرسش از معنای زندگی و هستی، پایبندی به سنت فلسفه تحلیلی را نقض می‌کند

اینکه راسل با فیلسوفان دیگری داستان می‌نویسد، درواقع کوشش برای استفاده از داستان به منظور بیان دیدگاه‌های فلسفی و تأثیرگذاری عمیق‌تر بر خوانندگان است.

اگرچه درباره ناسازگاری ذاتی فلسفه و داستان و سبک‌های نوشتاری آنها دیدگاه‌های متفاوتی قابل طرح است، اما درباره سازگاری این دو و دفاع از بیان اندیشه‌های فلسفی در قالب داستان، موافقان برهان‌های خود را به صورت قوی ارائه می‌کنند. «دانشگاه‌های فلسفی را به صورت غیرمستقیم و در قالب داستان و با مهارت‌های داستان‌نویسی بهتر می‌توان بیان کرد. یا اینکه، اگر فرض بر این است که فلسفه باید به زندگی مربوط باشد، یا دست‌کم مسایل فلسفی «بزرگ» باید چنین باشند، پس چرا این مسایل را در موقعیت زندگی مطرح نکنیم و با کمک شخصیت‌هایی در نمایشنامه، رمان یا داستان کوتاه؟»(۳)

ساز تر به‌عنوان یک فیلسوف اگزیستانسیالیست برای بیان اندیشه‌های فلسفی خود از قالب داستان استفاده بیشتری می‌کرد و تعداد زیادی داستان نوشت و معنای زندگی را که در واقع پرسشی فلسفی است در قالب داستان با رهیافت‌های عاطفی بیان کرده است. همان گونه که آلبر کامو، فرانتس کافکا یا داستایوفسکی و دیگر داستان‌نویسانی که در طیف فکری اگزیستانسیالیسم شناخته می‌شوند، رای پرسش از معنای زندگی و اندیشه‌ورزی از رمان یا داستان کوتاه استفاده کرده‌اند. فیلسوفانی که به تناسب گرایش‌های فلسفی داستان نوشته‌اند، داستان‌نویسی آنها متأثر از سبک تفکر فلسفی آنهاست. فیلسوفان اگزیستانسیالیسم پرسش‌ها و نگرش‌های خود از معنای زندگی، هستی یا درد و رنج انسانی را بر پایه فکر فلسفی خود عرضه کرده‌اند. اگرچه داستان‌نویسی به دلیل سبک ذاتی عاطفه‌گرانه‌اش، فیلسوفان را ناچار به رعایت ساختار کلی داستان و در نتیجه تأثیرگذاری به شیوه غیرمستقیم بر مخاطب قرار می‌دهد. همچنین برتراند راسل وقتی داستان «آدم‌های مخبط» یا داستان «کلوس‌ها» که اخیراً در کتاب تنهایی(۴) توسط دکتر مجید مددی ترجمه و چاپ شده یا داستان «کلوس مرد خدا» را که از این کتاب حذف شده است، می‌نویسد، با معنایی که در رساله‌ها و نوشته‌های فلسفی او به عنوان یک فیلسوف خردگرا دیده می‌شود، همسویی دارد. همین‌طور وقتی خواننده داستان «سطل سوار» اثر فرانتس کافکا را در همین کتاب می‌خواند یا داستان «تنهایی» از واسیلی شوکشین را، در واقع بازخوانی تفکر و پرسش از رنج و درد بشر و هستی انسان است.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱- فردریک کاپلستون، از بننام تا راسل، ترجمه بهام‌الدین خرمشاهی، انتشارات علمی، فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۴۶۲

۲- محمد خمیران، فلسفه میان حال و آینده، نشر پاپان، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۴

۳- سوزان آلدر تدروس، فلسفه داستایوفسکی، ترجمه

خسایار دیهیمی، طرح نو، ص ۱۲۵

۴- برتراند راسل و دیگران، تنهایی، ترجمه مجید مددی، نشر پاپان، ۱۳۹۰

## شعر

روزنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز   تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵

چاپ: نشر روزتاب   تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶

www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۲ اذان صبح فردا ۵:۰۸ طلوع آفتاب ۶:۳۴

## همایش «تحول عشق در جهان مدرن» برگزار شد

## عشق مدرن

### پیام حیدر قزوینی

ادامه می‌دهد و سپس به‌تدریج هاله‌های رمانتیک و آسمانی را هم از آن پاک می‌کند.

### در ستایش عشق

### صالح نجفی

در سال‌های اخیر «آلن بدیو» کتابی نوشت با عنوان «در ستایش عشق» که عنوان آن را از فیلم مشهور «گدار» گرفته بود و در این کتاب به پدیده‌ای اشاره می‌کند که برای او قابل توجه بوده است و به یک معنا برای همه ما قابل توجه خواهد بود. بدیو از اینجا شروع کرد که ما در دوره‌ای به سر می‌بریم که می‌توانیم عاشقی کنیم بدون آنکه عاشق شویم و تن به خطری بسپاریم و به عبارتی می‌توانیم عاشقی کنیم بدون آنکه مخاطراتی ما را تهدید کند. داستان عشق در جهانی که به سر می‌بریم را می‌توان از اینجا شروع کرد، به‌زعم بدیو در جهان فعلی و در مورد عشق، ما با دو بیماری قرن بیست و یکمی مواجه هستیم که می‌توان اسم این دو را لیبرالیسم و لیبرال‌تاریسم گذاشت. «بدیو» شر را در جهان معاصر با چهار نام می‌نامد: مدیریت، تکنولوژی، فرهنگ و بربریت در روابط جنسی؛ که به ترتیب جایگزین سیاست، علم، آفرینش‌های هنری و عشق شده‌اند. به این اعتبار، مفهوم عشق نزد آلن بدیو در تقابل با گرایش سنتی در این زمینه تعیین می‌یابد: نخست، جرایمی که از دیرباز به دیده تردید در پدیده عشق می‌نگریسته و هنوز که هنوز است در اندیشه روانکاو به حیات خود ادامه می‌دهد. از منظر این جریان، عشق چیزی نیست مگر نقابی برای پوشاندن میل جنسی. ژاک لاکان این برداشت را به صورت پیچیده‌ای بیان کرده است: عشق می‌کوشد فقدان ناشی از تقاضم در رابطه جنسی را جبران کند. جریان دوم را می‌توان جریان رمانتیک نام نهاد. بنا بر این تلقی، عشق استوار است بر آمیزش تام و تمام عشاق، یعنی اتحاد کامل عاشق و معشوق، که به روشن‌ترین وجهی در با هم بودن عشاق و ذوب شدن عاشق در معشوق نمایانده می‌شود.

بدیو اما عشق را یکی از فرآیندهای ساخت حقیقت می‌داند: حقیقتی درباره «هو» تن که بر پایه درک تفاوت و تمایز و شقاق میان خود جهانی مشترک می‌سازند. «هو» نه به‌مثابه یک به علاوه یک، بل دویی که می‌خواهد از تفاوت، یک جهان مشترک بسازد. تنها در عشق است که تفاوت میان دو جنس در نور حقیقت قرار می‌گیرد. به همین سبب بدیو عشق را «صحنه نمایش دو» می‌نامد. بدیو معتقد است عشق بدون ابتلا، عشق بدون مخاطره، چیزی به جز نمونه‌ای از تبلیغات رسمی نیست. در مقابل این جریان، بدیو به پیروی از «آرتور رمبوی» شاعر معتقد است باید عشق را در برابر دیکتاتوری امنیت و عافیت از نو ابداع کرد. بدیو در نهایت عشق را از مقوله انقلاب و مقاومت می‌داند، چون از سویی متضمن تضاد و خشونت است و از سویی مستلزم ایستادگی در برابر جباریت مواضع منزعلطلبان، اعترافات ریاکارانه در عرصه عمومی و خیال‌بافی‌های ساخته و پرداخته هالیوود.

### ادامه از صفحه اول

## طرح تحول مالیاتی در حوزه املاک و مستغلات

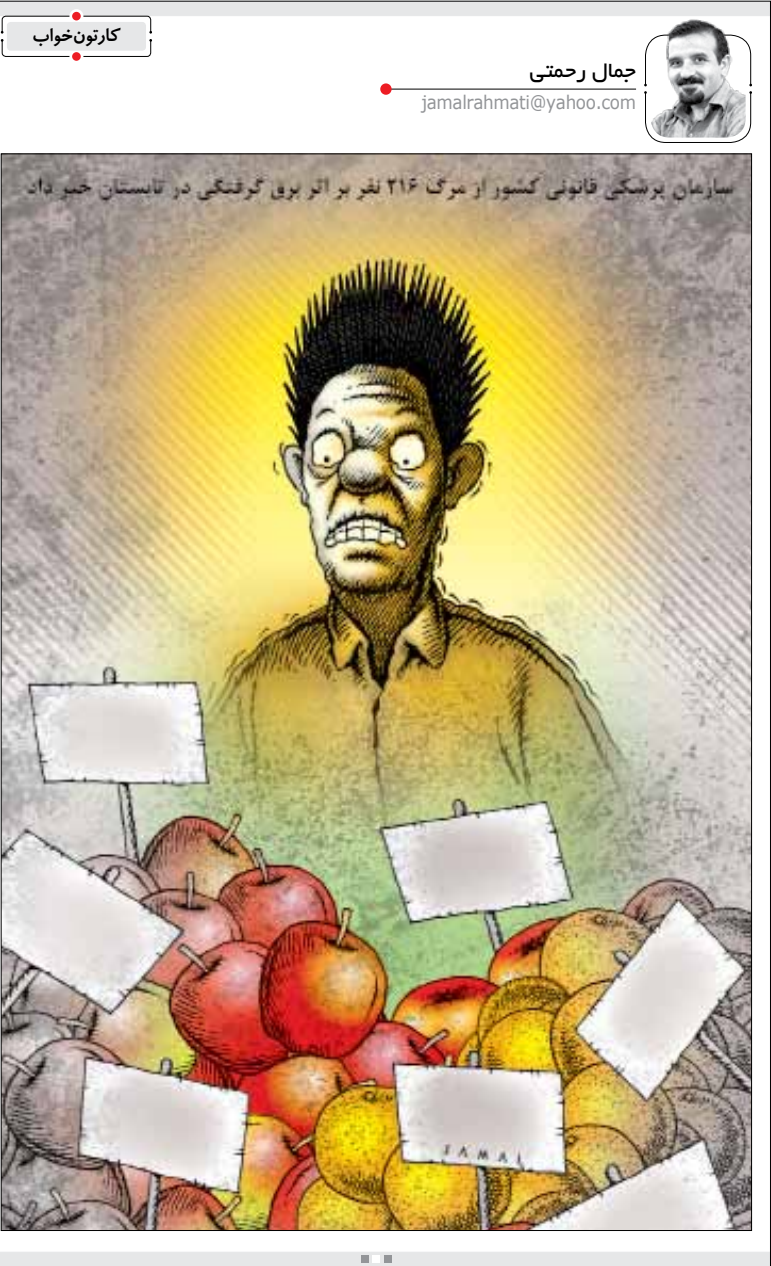
بنابر این اکنون که طراحان طرح تحول مالیاتی به دنبال اصلاح نظام مالیات‌های زمین و ساختمان‌اند و توجه خود را به مالیات عایدات سرمایه‌ای (تفاوت قیمت خرید و فروش) معطوف کرده‌اند، توجه آنان را به این امر جلب می‌کنیم که از این طریق می‌توان از تشکیل حباب‌های قیمتی در بخش جلوگیری کرد. در مورد مالیات بر اجاره، اصلاح پاراهای از زمینه‌ها ضرورت دارد. مثلاً، در حال حاضر اجاره‌های بسیار سنگینی از واحدهای تجاری شمال شهر تهران و کلاشهرهای دیگر کشور دریافت می‌شود. همین مورد در خصوص مجموعه‌های اداری‌ای که یک‌جا به اجاره می‌رود، صادق است. بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری جدید نیز این بازار را بسیار داغ کرده‌اند. عدم اخذ مالیات‌های قابل‌ملاحظه از این اجاره‌ها طبعاً از نظر توزیعی و نیز علامت‌دهی به بازار برای تولید این واحدها توجیه‌پذیر نیست که در این عرصه نیز می‌توان نظام مالیات‌ها را اصلاح کرد. البته اعمال نرخ‌های مالیاتی بالاتر در شرایط فعلی مصلحت نیست. روشن است که رکود فعلی آنقدر سنگین است که اعمال مالیات‌های بیشتر به هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود. اکنون زمان مناسبی برای دریافت مالیات بیشتر از هیچ بخشی از مناطق ایران نیست. اما در زمان مناسب نیز نباید نظام مالیاتی جاری را برای اخذ مالیات‌های بیشتر برهم زد و دوباره میدان عمل گسترده‌ای برای فساد و بازارهای زیرزمینی باز کرد. اخذ مالیات در کشورهای در حال توسعه هرگز نباید به تشخیص در حوزه صلاح‌دید ممیزان مالیاتی قرار گیرد. مثلاً، اخذ مالیات از اجاره



شنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۰ - ۱۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۲ - ۸ نوامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۳۸۸ - شماره ۶۶۴ دوره جدید - ۲۰ صفحه

## آثار زنده‌یاد مهدی سجابی در گالری آریا

شرق: گزیده‌ای از آثار زنده‌یاد مهدی سجابی در آستانه دومین سالروز درگذشت این هنرمند در گالری «آریا» به نمایش درآمده است. این نمایشگاه که از ۱۶ آبان به یاد و نام مهدی سجابی با ارایه آثاری از نقاشی، مجسمه و کلاژهای این هنرمند در گالری آریا برپا شده از مجموعه‌آثارى که طی این سال‌ها آثار زنده‌یاد سجابی را خریداری کرده بودند گردآوری شده و حدود ۴۰ اثر را در بر می‌گیرد. این نمایشگاه تا ۲۴ آبان از ساعت ۱۶ تا ۲۰ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. سجابی، مترجم، نقاش ۱۸ آبان سال ۸۸ بر اثر سکته در پاریس درگذشت.



## ابوعطا

## فواید تنبیه را بنویسید

### هادی چپر دار



■ البته بر خیلی‌ها واضح و بر بقیه مبهرن است که تنبیه‌امر لازمی می‌باشد.البته هم‌شاگردی‌ما خاتم‌آبادی معتقد می‌باشد که تنبیه کاری غیرانسانی و غیرحقوق بشری می‌باشد و به‌جای تنبیه باید با اشخاص‌های خاطلی گفت‌وگم کرد.اما دانشمندان و کارشناسان ارشد، بعد از هزار ساعت کار گروه نمودن، فهمیده‌اند که هیچ چیزی مثل تنبیه مفید نمی‌باشد. مثلا همین اکبرزاده که ته کلاس می‌نشیند، اگر روزی چند قفره خط‌کش یا اردنگی از آقای ناظم کبیر ما نخورد، حالش سر جایش نمی‌آید. پس ما با محاسبات دقیق آماری نتیجه می‌گردانیم که حالا که او با این همه تنبیه هر سال رفوزه می‌شود،اگر تنبیه نمی‌شد الان لابد همان پیش‌دبستانی مانده بود. تنبیه علاوه بر افرادی‌های تنبیه‌شونده، برای تنبیه‌کننده نیز خیلی خوب و باحال می‌باشد؛ به‌طوری که آقای ناظم نیز به نوبه خود وقتی اکبرزاده را کتک می‌زند و اکبرزاده به مرحله غلط کردن می‌افتد، چشم‌هایش برق شادی می‌زند و می‌گوید: «تا نباشد چوب‌تر فرمان نبرد ...!» و تازه یکبار که خط‌کش یکمتری آقای ناظم در حین کتک‌زدن شکست، اکبرزاده که پاچه‌خاری‌اش هم خوب می‌باشد، خودش یک خط‌کش یکمتری برای آقای ناظم خرید و آورد و آقای ناظم تشکر گرداند. پس لابد در تنبیه‌شدن خاصی می‌باشد که خود اکبرزاده هم آن را می‌فهمد، اما امثال خاتم‌آبادی آن را نمی‌فهمند.

همچنین دانشمندان با انجام آزمایش در آسبیزخانه خود خانه دریافته‌اند که تنبیه لازم به‌صرفت مردم‌ها در جوامع مختلف می‌باشد. هر جایی که در آن تنبیه وجود داشته باشد، زیرساخت‌ها نه‌آیدنه و چالش‌ها برون‌رفت می‌گرداند. همین هم‌شاگردی ما پورساحلی، که فامیل‌هایش همه در خارج می‌باشند، می‌گوید که در خارج مخصوصا انگلیستان که پایتخت خارج می‌باشد، حتی در دانشگاه‌ها هم دانشجویان‌ها را تنبیه می‌گرداند. بنابراین دلیل رشد کشورهای امپرسیالیست در زمینه‌های فناوری همین می‌باشد.

تنبیه نه‌تنها در آموزش، که در سطح جامعه نیز ضروری می‌باشد. مثلا یکبار که رایانه‌ها هدفمنگ شده بود و ما از بقالی ماست خریده بودیم، بابای ما اول ما را به دلیل گران شدن ماست تنبیه کرد،بعد گفت که اگر بقاله را می‌گرفتند و پاچه‌های شلوارش را گرّه می‌زدند و ماست‌هایش را در شلوارش خالی می‌کردند، دیگر ماست‌گران به مردم نمی‌داد، مدتی زمان قدیم که یک کسی با ماست‌بندی این کار را کرده بود و بعدش رایانه‌ها دیگر هدفمنگ نشده بودند، پس ما نتیجه می‌گیریم که تنها راه برون‌رفت از این‌ها این است که هر کسی که کالایی را که دارد در پاچه‌هایش بریزند و در تلویزیون هم نشانش بدهند تا حساب کار دست همه بیایند.

البته برای بعضی از افراد‌ها که کالا ندارند باید روش‌های نوآورانه و آسبیزخانه‌ای پیدا کرد. مثلا برای تنبیه فوتبالیست‌هایی که از سرانگشتان نوازشرگ خود استفاده گردانده‌اند، از آنجا که توپ فوتبال توی شورت ورزشی‌شان جانی‌شود، باید فیلم آن‌ها را در موبایل‌ها و سینیماها نمایش داد و روی عکس‌شان شاخ کشید و آبروی‌شان را برد و در تلویزیون صبح تا شب دربار‌ه‌شان جستار گشادگی گرداند و کارشان را به یک فاجعه ملی تبدیل گرداند و با خط‌کش آقای ناظم کتک‌شان زد. و تازه از فرصت استفاده کرد پول فرار‌دادشان را نداد. وقتی نابود شدند و دیگر وجود نداشتند، دیگر نمی‌توانند کارهای منشوری بگردانند و بعد روحیه ورزشکاری باز زیاد می‌شود و مثل قدیم‌ها می‌توانیم تیم‌های درجه دوی آسیا را شکست بگردانیم.

ما از این استنتاجیه‌می‌گردانیم که با این همه‌فوایدها، نباید تنبیه را موقعیت‌های خاص و افراد خاص محدود کرد، بلکه باید زیرساخت‌ها را نهاده‌سازی کرد.اند. مثلا همه این شانس را داشته باشند که پاچه شلوارشان در خیابان همین‌جوری می‌خودی گرّه زده شود و در شلوارشان ماست ریخته شود؛ بدین‌رتیب هر کسی که ماست به‌اش نرسید خوشحال می‌گردد و رضایت مردم‌ها زیاد می‌شود. همچنین در مدرسه باید حتی این خاتم‌آبادی را که هیچ‌وقت کار بدی نمی‌کند با خط‌کش تنبیه گرداند، چرا که پیشگیری مقدم بر واقعه می‌باشد. اما مهم‌ترین کار در حال حاضر اعاد فوتبالیست‌های جنجال‌شکن می‌باشد و اکبرزاده از الان برای تماشای این صحنه آماده می‌باشد.

### برش از اخبار

## «هری پاتر» تدریس می‌شود

■ دانشگاه «دورهوم» انگلیس از پاییز امسال واحد «هری پاتر» را برای دانش‌جویان مقطع لیسانس ارائه می‌کند. حدود ۷۰۰ دانش‌جوی این دانشگاه تقاضانامه‌ای را برای دریافت واحد درسی «هری پاتر و عصر خیال» امضا کرده‌اند. در کلاس «هری پاتر» آموزش پرواز یا دفاع در برابر هنر جادوی سیاه رایبه نمی‌شود، بلکه دانشجویان با ماجراجویی‌های پسری جادوگر بیشتر آشنا می‌شوند.

### بوی جوی مولیان

## «در شب» شمس لنگرودی چگونه خلق شد

جنس صدا را که نمونه‌اش تا به حال نبوده، خواهند پسندید و از ایشان خواست تا به شناخت ما اعتماد کند. حتی از کوک صدایش نیز راضی نبود و می‌گفت که خیلی صدایش بم شده و نقطه اوج صدای او خیلی کم به گوش شنونده می‌رسد و من و کارمان که کوک صدا را برایش تنظیم کرده‌بودیم گفتیم که اتفاقاً این موضوع نیز در موسیقی داخلی ایران تازگی دارد و اوج وقتی برای شنونده لذت‌بخش است که در ملودی به اندازه از آن استفاده شود.

نکته جالب این بود که جناب شمس بارها گفته بود که از صدای دف به هیچ‌وجه خوشش نمی‌آید و من به عنوان تنظیم‌کننده اثر به شدت به صدای دف احساس نیاز می‌کردم و از آنجا که از میزان علاقه ایشان به ساز دف آگاه بودم و وقت استودیو هم بسیار اندک بود در ساعت ۹ صبح قبل از آمدن استاد از محمدصادق قبادی‌فرد ترانه‌ای قدیمی را ازمرمّه کرد که آن‌طور که خواستم بنواز د و با آامن جناب شمس، دف را پنهان کردیم تا او بویی نبرد. در تنظیم این اثر سعی کردم تا در برخی قسمت‌ها از بلندگوهای راست و چپ به عنوان شخصیت مستقل استفاده کنم و به اصطلاح به اثر کمی بعد بهم که این کار در آثار تولیدی در ایران به‌ندرت تاکنون انجام شده است. پس از میکس و مسترینگ جناب شمس کار را برای جناب شمس بردیم، او وقتی محمول را شنید بسیار هیجان‌زده شد و به شدت از حضور دف خوشش آمد. در ابتدا قرار بود که این اثر در سالروز تولدش رونمایی شود ولی این زمان تغییر کرد و با پخش اثر ناگهان دیدیم در شماره

بسیار بالایی در مدت کوتاهی توسط مردم دیده شد. عکس‌های زیبای این کلیپ هم توسط باران جعفری که در لحظات ضبط در استودیو حضور داشت گرفته شد. نکته دیگر این بود که قطعۀ ثابت کرد که کارمان رسول‌زاده که در موسیقی پاپ چهره‌ای شناخته‌شده است، در فضاهای سنتی نیز توان خاص خود را دارد و در ضمن استقبال دوباره مردم از اثر دیگری از کارمان نشان داد که موفقیتش در این عرصه تا پیش از این شائسی و اتفاقی نبوده است و در آخر قطعۀ «در شب» نشان داد که شخصیت هنری شمس لنگرودی را نمی‌توان محدود به شعر دانست و هر لحظه می‌توان از او حرکتی جدید انتظار داشت.

### دکه

## ویژه‌نامه همینگوی در «نگاه نو»

است. در این ویژه‌نامه سه داستان کوتاه همینگوی، چهار شعر او و یک گزارش جنگی او را به ترجمه کاظم فیروزمند می‌خوانید. نقد و بررسی چند اثر مهم همینگوی از خوانندنی‌ترین بخش‌های این ویژه‌نامه است. ویژه‌نامه همینگوی در ۱۱۶ صفحه، به بهای ۴۰۰ تومان منتشر شده است.



فصلنامه نگاه‌نو ویژه‌نامه ارنست همینگوی را منتشر کرد. در این ویژه‌نامه به زندگی و آثار این نویسنده بزرگ برنده جایزه پولیتزر (۱۹۵۳) و جایزه نوبل (۱۹۵۴) ادبیات که بیش از هر نویسنده دیگری در زمان حیاتش شناخته شده بود و آثارش را در چهار گوشه جهان می‌خواندند و می‌خوانند، پرداخته شده

